

شبستر و روستاهای اطرافش مقصدی خنک برای روزهای گرم تابستان

شهر آبالوهای ترش

فاطمه سادات بکایی

خبرنگار

این روزها که هوای تهران حساسی گرم و طاقت‌فرسا شده و تعطیلی مدارس هم فرصت خوبی برای یک‌سفر تابستانی ایده‌آل است، باید مقصدی جذاب انتخاب کرد که به اندازه کافی خنک باشد. شمال غربی کشور یکی از دامنه‌های وسیعی است که می‌تواند انتخاب ایده‌آل شما برای سفر تابستانی‌تان را بسازد. روی نقشه که دقیق شوید، در استان آذربایجان شرقی اول از همه تبریز چشم‌تان را می‌گیرد. شهر پر آوازه تاریخ معاصر با جاذبه‌های فراوان گردشگری؛ اما همین که دست‌تان را کمی روی نقشه به سمت دریاچه ارومیه بلغزانید می‌رسید به شهرستان شبستر و روستاهای اطرافش؛ جایی که می‌تواند خاطره‌امسال شما از یک سفر تابستانی و ایده‌آل را برایتان بسازد. برای رسیدن به شبستر و روستاهای زیبایش باید از تبریز به سمت منطقه آزاد تجاری ارس حرکت کنید، حدود یک ساعت و نیم بعد از تبریز، وقتی از خامنه (شهر آبا و اجدادی رهبر انقلاب) گذشتید می‌رسید به یک میدان کوچک و تابلویی که می‌گوید اینجا شبستر است!

می‌توانید برای اقامت در همان شبستر بمانید، شهر کوچک زیبایی که در این فصل شگفت‌انگیزترین و پرتیرش درخت‌های سرخ و سبز گیلاس و آلبالو است که در گوشه گوشه پیاده‌روهای شهر قد علم کرده‌اند و آنقدر میوه دارند که کمرشان خم شده! این جذابیت البته برای اهالی شبستر خیلی عادی است اما برای ما که تنها درخت میوه کوچه‌های مان‌توت‌های سفید هستند، حتی تماشا کردن این درخت‌های سرخ هیجان‌زاید الوصفی با خودش به همراه دارد.

روستای آبالوهای سرخ



نظر ما را اگر بخوایید، به جای شبستر پیشنهاد می‌کنیم روستای زیبای «تیل» را برای اقامت انتخاب کنید. برای رسیدن به تیل، باید از شبستر به سمت ارس حرکت کنید، حدود ۱۰ دقیقه بعد، درست در حاشیه یک کیلومتری دریاچه ارومیه سمت راست جاده با تابلوی تیل و جاده زیبا و بلندش مواجه می‌شوید. جاده‌ای رو به روستا و پشت به دریاچه که از هر حیث جاده‌ای رویایی و جذاب محسوب می‌شود.

کوچه پس کوچه‌های این روستا هم درست مثل شبستر با آبالوهای سرخ و درخت‌های توت و شاه‌توت آدین بندی شده‌اند. از کنار هر خانه‌ای که عبور کنید، سخاوت درخت‌های میوه را می‌بینید که به سمت کوچه و عابران چتر باز کرده‌اند؛ از دور که این درخت‌ها را تماشا کنید به نظر می‌آید کسی ظرف میوه‌های تابستانی را به سمت رهگذرها خم کرده و اصرار دارد کمی از آن بچشد. درخت‌های توت، شاه‌توت، گیلاس، آبالو، گردو، انجیر همه اجزای بهشتی است که شما در کوچه‌پس

کوچه‌های تیل ناباورانه می‌توانید تماشا کنید. جز درخت‌های میوه، مسجد هم یکی از فراوانی‌های این روستاست. به طور کلی آذری‌ها به مسجد ادرات ویژه‌ای دارند و حتی در تبریز هم بیش از هر چیزی مسجد‌های فراوان است که نظر شما را به خود جلب می‌کند. این‌الگو حتی در این روستای کوچک هم رعایت شده و مسجد‌های زیادی به چشم‌تان خواهد خورد، مسجد‌هایی فعال و پر از نمازگزار که حال خوب معنوی روستا را تأمین می‌کنند.

بهشتی برای مهاجرت معکوس

خیلی از خانه‌ها در تیل بازسازی شده‌اند. نمای روستا شاید به طور کلی خیلی شبیه ذهنیت ما از یک روستا نباشد؛ اما اهالی تیل روح کلی و اصالت روستا را حفظ کرده‌اند. تیل روستای نسبتاً پرجمعیتی است. از آن روستاهای پویا و زنده که به لطف برکت عجیب خاکش جوان‌ها را هم پابند خودش کرده.

شاید برایتان جالب باشد که این روستا حتی دارای آمار خوبی از مهاجرت معکوس است؛ خیلی از جوان‌هایی که والدین‌شان سال‌ها پیش جلالی وطن کرده و در تهران ساکن شده بودند حالا دوباره به روستا برگشته‌اند و با آوردن فناوری و کشاورزی علمی رونق دیگری به این کار داده‌اند. آبیاری قطره‌ای را یکی از همین جوان‌های سابقاً تهرانی به روستا آورده و با نتیجه مطلوبی که گرفته، کشاورزان سنتی را هم برای استفاده از این شیوه قانع کرده است.

گشت و گذارتان در کوچه پس کوچه‌های تیل که تمام شد می‌توانید در ضلع شرقی روستا وارد باغ‌ها بشوید. باغ‌دارهای زحمتکش تیل، با روی باز از شما پذیرایی خواهند کرد؛ آنجا می‌توانید با اجازه صاحب باغ، خودتان میوه‌های مورد علاقه‌تان را از روی درخت دست‌چین کرده و پولش را بپردازید. گیلاس‌های تیل یکی از مرغوب‌ترین نوع ارگانیک خودش است. میوه‌های بسیار درشتی که حتی یکی‌شان هم کرم‌خورده نیستند و با قیمت‌های باورنکردنی به فروش می‌رسند؛ بعید است بتوانید مشابه آن میوه‌ها را در تهران پیدا کنید.

زردآلو و درخت‌های پر بار گوجه سبز و آلوچه هم یکی دیگر از لذت‌های خوردنی این باغ‌های پر برکت است که می‌توانید همانجا مستقیم و بدون واسطه از باغ‌دار تهیه کنید.

حالا وقت گشت و گذار در کوچه باغ‌های بسیار زیبای تیل است که با دیوارهای کوتاه و کاهگلی باغ‌های روستا یک بهشت کوچک درست در شمالی‌ترین قسمت نقشه ایران ساخته است. بهشتی با منظره دریاچه بزرگ و زیبای ارومیه، عطر میوه‌های تابستانی و خنکای آبی که آرام آرام از کنار دیوارها عبور می‌کند و زمین پر برکت روستا را سیراب می‌کند.

اگر اهل عکاسی باشید و یک دوربین معمولی همراه‌تان باشد، قول می‌دهیم که عکس‌های خوبی از این سفر نصیب‌تان می‌شود، منظره‌های خارق‌العاده این روستا و در کنار هم قرار گرفتن کوه و دریا و باغ‌های سرسبز، بهشتی واقعی برای شما ایجاد می‌کند که شاید دیگر هرگز فرصت تماشای این همه زیبایی‌ها را در کنار هم پیدا نکنید.

ساحل درمانی دریاچه ارومیه

بعد از گشت و گذار در سرسبزی روستا، نوبت به جاذبه درمانی تیل می‌رسد. روستا را به سمت جنوب غربی ترک می‌کنید و برای رسیدن به دریاچه ارومیه از جاده زیبای ابتدای روستا می‌رسید؛ جاده‌ای که حالا پشت به تیل و باغ‌ها و کوه‌های جذابش و رو به آبی بیکران دریاچه است. این منظره در وقت غروب خورشید، یکی از بدیع‌ترین منظره‌های غروب است که می‌تواند ساعت‌ها بیننده را به خودش مشغول کند.

دریاچه ارومیه، به دلیل نمکین بودن آبش، در تمام اوقات با هاله‌ای شبیه مه نیمه غلیظ پوشیده شده و در



ساحل تیل شما با منظره‌ای از کوه‌های پشت دریاچه و بازی آب و آفتاب مواجه خواهید بود که یکی از تماشایی‌ترین تصویرهایی است که می‌شود دید.

از جاده معروف به شیخ ولی که وارد ساحل دریاچه بشوید، امکانات ابتدایی یک تفریح درمانی را می‌توانید ببینید. آب دریاچه البته به لطف رفتارهای غیراستاندارد چند سال اخیر، خیلی عقب نشینی کرده و عمق بسیار کمی هم دارد؛ بنابراین استفاده از تفریحات آبی مثل قایق سواری و جت اسکی را باید فراموش کنید، در عوض می‌توانید ساحل نمکی دریاچه و آب درمانگرش را تجربه کنید.

اهالی روستا تقریباً یک روز درمیان بعد از یک روز سخت کاری خودشان را به دریاچه می‌رسانند و با نشستن در آب کم عمق دریاچه از برکات این آب شور و خواص درمانی‌اش استفاده می‌کنند. گل و لای حاشیه ساحل هم خواص ویژه و مشتری‌های خودش را دارد. برای استفاده از این مزایای خوب فقط یک اشکال وجود دارد و آن هم بوی نامطبوعی است که ترکیب آب و گل و نمک برای این ساحل ایجاد می‌کند. این بوی نامطبوع البته از جمله ویژگی‌های طبیعی این بخش است و کمی که از حضورتان در ساحل بگذرد، برای شامه‌تان عادی خواهد شد.

در روزهای اقامت در این منطقه می‌توانید به روستاهای اطراف بروید و از محیط جذاب این حوالی هم استفاده کنید. حالا بعد از ساختن یک سفر خنک تابستانی اگر توانستید از شبستر و حوالی‌اش دل بکنید و به شهر خودتان برگردید؛ البته اگر فرصت کافی داشته باشید، در مسیر بازگشت می‌توانید از جنگل‌های زیبای ارسباران و روستای شگفت‌انگیز کندوان هم دیدن کنید.

